

چرا امام حسین علیه السلام به قیام با یزید برخاست؟

<?xml encoding="UTF-8?>

یزید تاثیر بسیاری در تغییر احکام دین داشت و اسلام رو به نابودی بود که امام در مقابل یزید سکوت نکرده و برای اصلاح دین جدش به پا خواست. یزید گناهان فاحشی انجام می داد که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

شرابخواری در پنهان و ملاعام

مورخان یزید را شخصی شارب الخمر و فاسد و فاجر و اهل ارتکاب معاصی و بی اعتنا به مبانی مذهبی و جسور و هتاک نسبت به مال و جان مردم می شناساند. ابن کثیر روایت کرده که یزید بن معاویه از کودکی اهل شراب خوردن بود. (۱)

همچنین نقل شده که یزید در دوران خلافت پدرش و در سفر حج، پس از مراجعه به شهر مدینه، در کنار حرم و خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله دست از بی حرمتی به شریعت اسلام برداشت و در حضور مردم بر سفره اش شراب قرار داد. فقط زمانی که مطلع می شود ابن عباس و حسین بن علی علیهما السلام قصد ورود به خانه او را دارند دستور می دهد تا شراب را بردارند. (۲)

اعتیاد یزید به شرب خمر آن چنان آشکار بود که حتی در حضور افرادی که از شهرهای دور و نزدیک به دیدنش می آمدند، با جرات آن را می نوشید.

گواهی مردم مدینه بر عیاشی یزید

گروهی از اشراف و بزرگان مردم مدینه از جمله فرزند شهید جنگ اُحُد عبدالله بن حنظله غسیل الملائکه وارد شهر شام شدند و به دیدار یزید رفتند، پس از بازگشت به مدینه، عیب های یزید را برای مردم بازگو کرده و گفتند: از نزد کسی آمده ایم که دین ندارد، شراب می نوشد، و نوازنده ها در حضورش به نواختن و رقص می پردازند، شاهد باشید که ما او را از خلافت عزل کردیم. مردم مدینه عزل یزید از حکومت را تایید و با عبدالله بن حنظله تا پای مرگ بیعت کردند.

علاقه یزید به شراب به قدری بود که دستور می داد تا بهترین ها را برایش آماده کنند ذهبی از زیاد حارثی نقل می کند:

شرابی را یزید به من نوشانید که هیچ وقت مانند آن را نخورده بودم، گفتم چنین شرابی تا کنون نخورده ام، گفت: از انار حُلوان و عسل اصفهان و شکر اهواز و کشمش طائف و آب بردی تهیه شده است.

عبدالله فرزند حنظله غسیل الملائکه برداشت خود را بعد از دیدار با یزید این‌گونه بیان می‌دارد:

به خدا قسم از نزد یزید بیرون نیامدیم مگر این که ترسیدیم سنگ از آسمان بر سر ما بریزد، زیرا او کسی است که در امر زناشویی حریم شرع را رعایت نمی‌کند، شراب می‌نوشد و نماز نمی‌خواند. (۴)

یزید شراب‌خوار، بوزینه‌باز، فاسق و زن‌باز:

جاحظ از علمای بزرگ اهل سنت با عبارتی شبیه به متن فوق می‌گوید:

وقتی یزید بن معاویه به خلافت رسید؛ همان یزید شراب‌خوار و بوزینه‌باز و پلنگ‌باز و فاسقی که به بیماری ابنه مبتلا بود... و بنی‌امیه فرقه‌ای گمراه بودند که سیره و روشی جبرگرایانه داشتند که به مجرد ظن و گمان، دیگران را دستگیر می‌کردند و از روی هوی و هوس حکم می‌کردند و از روی غضب می‌کشتند. (۵)

بلاذری در کتاب خود این‌گونه نقل می‌کند:

واقعی روایت کرده است: هنگامی که عبدالله بن زبیر به قتل رسید، برادرش عمرو بن زبیر برای مردم خطبه خواند و از یزید بن معاویه این‌گونه یاد کرد: یزید شراب‌خوار و فاجر و زن‌باز و بوزینه‌باز و سگ‌باز و اهل ولگردی در دشت و بیابان‌هاست. سپس از مردم خواست که او را از خلافت کنار کنند و برای مردم مدینه حکم جهاد فرستاد. (۶)

ذهبی و برخی از بزرگان اهل سنت درباره یزید این‌گونه نوشته‌اند:

عبدالملک در مکه به هنگام حج برای مردم خطبه‌ای خواند و در آن برای مردم این‌گونه سخن گفت: ای مردم! کسانی که قبل از من به خلافت رسیدند هم خود مال مردم را خوردند و هم به دیگران دادند تا بخورند. به خدا سوگند! مشکلات این امت را مداوا نخواهم کرد مگر با شمشیر؛ چرا که من مانند: عثمان خلیفه‌ای مستضعف و مفلوک نیستم. و نیز خلیفه‌ای سهل‌گیر و مسامحه‌گر هم چون معاویه نیستم. و خلیفه‌ای ابنه‌ای هم چون یزید نیستم. شما را تا زمانی تحمل می‌کنم که رایت و حکومت و منبر و تخت و تاجم در خطر نباشد. و ما نسبت به عمرو بن سعید با تمام قرابت و حقی که داشت این‌گونه کردیم و او با سرش این چنین کرد و ما نیز با شمشیرمان این چنین می‌کنیم. این خبر را حاضرین به غائبین برسانند. (۷)

ناصری بودن یزید

ذهبی، یزید را ناصبی یعنی دشمن اهل بیت علیهم‌السلام شمرده و درباره‌اش گفته است:

یزید شخصی ناصبی و تندخو و سبک (جلف) بود و شراب می‌نوشید و اعمال منکر انجام می‌داد. (۸)

نماز در فرهنگ دین یعنی نماد خداپرستی و ایمان، که دینداری و مسلمانی بدون آن مفهوم پیدا نمی‌کند.

یزید نه تنها نسبت به شراب، بلکه نسبت به مهمترین واجب دینی یعنی نماز نیز بی‌اعتنا بوده و گاهی می‌خوانده و گاهی نمی‌خوانده است. و به تعبیری کاهل الصلاه بوده است.

یزید شخصیتی بود که نمی‌توانست بر شهوت خود غالب گردد و آن را کنترل کند. وی با روی خوش از مجالس شهوت و انواع آن استقبال می‌کرد، از بزرگ‌ترین واجب خدا یعنی نماز طفره می‌رفت و از تارکان آن بود، همان کسانی که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره آنان فرمود:

بر یهودیان و مسیحیان سلام کنید اما بر یهودیان اَمّت من سلام نکنید، سؤال شد: یهودیان اَمّت شما کیانند؟ فرمود: آنان که نماز را ترک کنند. (۹)

لاابالی‌گری و بی‌بندوباری با عنوان خلیفه پیامبر

عیّاشی‌های یزید مسندنشین و لاابالی‌گری او مردم مدینه را وادار به شورش علیه وی کرد. گروه اعزامی به پایتخت پس از دیدار با خلیفه و با این‌که هدایای با ارزشی گرفته بودند لب به توبیخ وی گشودند، منذر بن زبیر که صد هزار درهم پاداش گرفته بود به مردم مدینه گفت:

یزید اگر چه صد هزار درهم به من هدیه داده ولی این هدیه نمی‌تواند از بازگویی حقایق مانع شود، به خدا سوگند یزید شراب می‌نوشد و آن‌قدر در حال مستی به سر می‌برد که نماز را ترک می‌کند. سپس دیگران هم همانند او، بلکه شدیدتر از بدی‌های یزید گفتند و او را سرزنش کردند. (۱۰)

یکی دیگر از همین افراد می‌گوید:

جوایز ارزنده یزید مانع از گفتن حقایق نمی‌شود، من او را دشمن خدا که همیشه در حال مستی و شرب خمر است دیدم. (۱۱)

شش گروه لعنت شده الهی

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید شش گروه مورد لعنت الهی، من و همه پیامبران قرار می‌گیرند:

۱- کسی که به کتاب خدا چیزی بیافزاید.

۲- کسی که مقدّرات الهی را تکذیب کند.

۳- کسی که با زور بر مردم مسلّط شود و به کسانی که خدا ذلیل کرده، عزّت بخشد، و آن‌که خدا عزیزش کرده را ذلیل کند.

۴- کسی که حلال خدا را حرام نماید.

۵ - کسی که نسبت به عترتم آنچه را خدا حرام کرده، حلال بداند.

۶ - کسی که سنت مرا ترک گوید. (۱۲)

با توجه به این روایت یزید قطعا در زمره لعنت‌شدگان قرار گرفته بوده، حال چگونه می‌توانست بر جایگاه جانشینی الهی تکیه زند؟

نتیجه‌گیری

با توجه به مفاسد اخلاقی که از یزید یاد شد آیا چنین شخصی لیاقت منصب خلافت و جانشینی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را می‌توانست داشته باشد؟ یزید با اعمال و حرمت‌شکنی‌هایش در زمینه شریعت، وضعیت بحرانی برای اسلام ایجاد کرد. در آن اوضاع و احوال بود امام حسین علیه‌السلام اسلام را در خطر دید و اگر سکوت می‌کرد رفته رفته بدعت‌ها و عیاشی‌های یزید جزء دین به شمار می‌آمد. پس امام تصمیم به امر به معروف و نهی از منکر یزید شد. و به هیچ عنوان با این فرد عیاش و بی بند و بار بیعت ننمود. یزید نیز که برای وجهه یافتن در دنیای اسلام به بیعت امام حسین علیه‌السلام نیازمند بود، امام را اجبار به بیعت نمود ولی امام با مخالفت از بیعت به دعوت مردم کوفه به سمت عراق رهسپار گردید.